

علم أصول الفقه

۱۳-۹-۹۱ مبادئ مختص تصديقي ۱۷

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

زبان شارع، زبان عرفی

- عاملی که امکان ارتباط با مخاطبان را به دین می‌دهد و امکان تفهیم و تفهم را بین دین و مخاطبانش فراهم می‌سازد، زبانی است که دین برای مفاهیم خویش به کار می‌گیرد.
- از آنجا که زبان عرفی و عقلایی یعنی زبان رایج بین مردم، وسیع‌ترین مخاطب را دارد، دین از همان روش برای دستیابی به هدف خویش، استفاده می‌کند.
- یعنی افزون بر نوع زبانی که در بین مردم معمول است، شارع از بین شیوه‌های مختلف آن زبان، شیوه‌ی معمول و رایج بین آنها را انتخاب می‌نماید.

زبان شارع، زبان عرفی

- ج. دلیل نقلی

- این مطلب از برخی آیات قرآن نیز قابل استفاده است. مثلاً در آیه ۴ سوره ابراهیم: **وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ**، خداوند می فرماید: و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا (حقایق را) برای آنان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد بی راه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند، و او است ارجمند حکیم.

زبان شارع، زبان عرفی

- زبانی که در این آیه مطرح شده است، دو بعد دارد که معمولاً فقط یک بعد آن مورد توجه قرار گرفته است.

زبان شارع، زبان عرفی

- اغلب مفسران از این آیه و آیه‌ی مشابه به آن یعنی آیه‌ی «نزل به الروح الامین علی قلبک لتکون من المنذرین بلسان عربی مبین» [«روح الامین» آن را بر دلت نازل کرد، تا از جمله‌ی هشدار دهندگان باشی، به زبان عربی روشن]؛ نوع زبان را برداشت کرده و گفته‌اند که اگر فرضاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در سرزمین دیگری با زبان دیگری، مأمور به هدایت مردم می‌شد، به همان زبان تکلم می‌نمود. با این برداشت که غلط هم نیست، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به زبان عربی سخن می‌گوید؛ زیرا در سرزمین عربستان و در میان قومی با زبان عربی نازل شده است.

زبان شارع، زبان عرفی

• ثم بين سبحانه أنه إنما يرسل الرسل إلى قومهم بلغتهم ليكون أقرب إلى الفهم و أقطع للعدر فقال «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» أي لم يرسل فيما مضى من الأزمان رسولا إلا بلغة قومه حتى إذا بين لهم فهموا عنه و لا يحتاجون إلى من يترجمه عنه و قد أرسل الله تعالى نبينا محمدا ص إلى الخلق كافة بلسان قومه و هم العرب بدلالة قوله «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا» قال الحسن امتن الله على نبيه محمد ص أنه لم يبعث رسولا إلا إلى قومه و بعثه خاصة إلى جميع الخلق و به قال مجاهد و قيل إن معناه أنا كما أرسلناك إلى العرب بلغتهم لتبين لهم الدين ثم أنهم يبينونه للناس كذلك أرسلنا كل رسول بلغة قومه ليظهر لهم الدين

زبان شارع، زبان عرفی

- وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٤)
- آية بلا خلاف.
- أخبر الله تعالى انه لم يرسل فيما مضى من الازمان رسولا الى قوم إلا بلغة قومه حتى إذا بين لهم، فهموا عنه، و لا يحتاجون الى من يترجم عنه.

زبان شارع، زبان عرفی

- اما این آیات بیش از این را بیان می‌کند. لسان قوم صرفاً نوع زبان آنها نیست. در دایره‌ی این عبارت، شیوه‌ی بیانی نیز می‌گنجد. یک قوم هم به یک زبان خاص سخن می‌گویند و هم شیوه‌ای خاص در بیان دارند.

زبان شارع، زبان عرفى

- يقول تعالى:
- وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ.
- لأنّ الأنبياء يرتبطون فى الدرجة الاولى مع قومهم، و اولّ نور الوحي يشعّ من بينهم، و اولّ الصحابة و الأنصار ينتخبون منهم، لذلك فإنّ الرسول يجب ان يحدثّهم بلغتهم و بلسانهم ليبيّن لهم.
- و فى الحقيقة فإنّ هذه الجملة تشير الى انّ دعوة الأنبياء لا تنعكس فى قلوب اتباعهم بأسلوب مرموز و غير معروف، بل كانت توضّح لهم من خلال التبيين و التعليم و التربية و بلسانهم الرائج.

زبان شارع، زبان عرفی

- نمونه‌های فراوانی به عنوان شاهد بر این ادعا می‌توان بیان نمود. مثلاً اگر هم اکنون کسی به نثر فارسی قدیم، مطلبی بنویسد یا بگوید، بسیاری سخنان او را نمی‌فهمند؛ با این که آن هم به زبان فارسی است. یا به عنوان نمونه جام جهان‌نمای بهمنیار هم فارسی است؛ اما تحصیل او که به زبان عربی است برای فارسی زبان آشنا به عربی به مراتب راحت‌تر است. الفاظ جام جهان‌نما همان الفاظ فارسی است؛ ولی ترکیب‌ها بسیار نامأنوس می‌باشد. علت آن، شیوه‌ی متفاوت زبان است که با آن مأنوس نیستیم.

زبان شارع، زبان عرفی

- پیامبر مبعوث بین یک قوم می‌بایست به شیوه‌ی بیانی آنها تکلم کند؛ همچنان که به نوع زبان آنها سخن می‌گوید. اگر به زبانی غیر زبان آنها یا به شیوه‌ای غیر شیوه‌ی آنها، سخن بگوید، یا مردم سخن او را نمی‌فهمند یا درصد خیلی کمی به مفهوم آن پی می‌برند و بدین ترتیب هدف دین که تبیین مطالب برای مردم است، حاصل نخواهد شد.

زبان شارع، زبان عرفی

- ۱۵ - جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْعِبَادَ بِكُنْهٍ عَقْلَهُ قَطُّ وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

زبان شارع، زبان عرفی

- علامه طباطبائی همین نکته را در ذیل آیهی سورهی ابراهیم بیان می‌کند؛ ولی ظاهراً آیات سورهی شعراء که فرمود: «بلسان عربی مبین» نیز به همین مطلب اشاره دارد. عربی مبین یعنی عربی مانوس و شناخته شده در بین مردم؛ نه یک عربی غیر مانوس یا مربوط به نسل‌های آینده.

زبان شارع، زبان عرفی

- و المراد بإرسال الرسول بلسان قومه إرساله بلسان القوم الذين كان يعيش فيهم و يخالطهم و يعاشرهم و ليس المراد به الإرسال بلسان القوم الذين هو منهم نسبا لأنه سبحانه يصرح بمهاجرة لوط ع من كلدة و هم سريانية اللسان إلى المؤتفكات، و هم عبرانيون و سماهم قومه و أرسله إليهم ثم أنجاه و أهله إلا امرأته و هي منهم و أهلكتهم قال تعالى: «فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي»: العنكبوت: ٢٦ و في مواضع من كلامه تعالى «قَوْمِ لُوطٍ».

زبان شارع، زبان عرفى

- و أما من أرسل إلى أزيد من أمة و هم أولوا العزم من الرسل فمن الدليل على أنهم كانوا يدعون أقواما من غير أهل لسانهم ما حكاه الله من دعوة إبراهيم ع عرب الحجاز إلى الحج، و دعوة موسى ع فرعون و قومه إلى الإيمان و عموم دعوة

زبان شارع، زبان عرفى

- النبى ص و قد اشتمل القرآن على دعوة اليهود و النصارى و غيرهم و قبول إيمان من آمن منهم بالنبى ص و كذا ما يستفاد من عموم دعوة نوح ع. و على هذا فالمراد بقوله: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» و - الله أعلم - أن الله لم يبين إرسال الرسل و الدعوة الدينية على أساس معجز خارق للعادة الجارية و لا فوض إلى رسله من الأمر شيئاً بل أرسلهم باللسان العادى الذى كانوا يكالمون قومهم و يحاورونهم به ليبينوا لهم مقاصد الوحي فليس لهم إلا البيان، و أما ما وراء ذلك من الهداية و الإضلال فإلى الله سبحانه لا يشاركه فى ذلك رسول و لا غيره.

زبان شارع، زبان عرفی

- فتعود الآية كالبيان و الإيضاح لقوله تعالى قبل: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ» و إن معنى إخراجك الناس من الظلمات إلى النور أن تبين لهم ما أنزل الله لا أزيد من ذلك فيكون في معنى قوله: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»: النحل: ٤٤

زبان شارع، زبان عرفی

- عربی امروز برای عرب آن زمان، نامفهوم و نامأنوس می باشد. حتی خیلی از ما که به زبان عربی آشنا هستیم در مطالعه‌ی برخی نشریات عرب زبان، (مثل الحیة که در انگلیس چاپ می شود) دچار مشکل می شویم و شاید بیست درصد آن را هم نفهمیم.

زبان شارع، زبان عرفی

- اگر همین متن با همین نثر در اختیار عرب زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زمان معصومان علیهم السلام قرار می‌گرفت، او هم چیزی بیش از ما از این متن نمی‌فهمید. ما به زبان عربی قرآن و روایات و متون قدیم آشنا هستیم.
- عربی امروز در سطح روشنفکران عرب، برای ما بسیار نامأنوس است. اصطلاحات و ترکیبات و اشتقاقیات امروزی همچون کلمات و عبارات گذشته نیست و اگرچه ریشه‌های الفاظ تغییری نکرده؛ اما نحوه‌ی استعمال دگرگون شده است.

زبان شارع، زبان عرفی

- بنابراین هم از منظر تاریخی و هم به لحاظ برهان عقلی و هم به استناد آیات قرآن، می‌توان نتیجه گرفت که همه‌ی متون دینی ما یعنی آنچه در قالب آیات قرآنی مطرح شده و یا روایاتی که معصومان علیهم السلام مطرح کرده‌اند، همگی به زبان عقلایی و عرفی است و حکمت آن این است که مخاطبان بیشتری از سخن بهره گیرند.

زبان شارع، زبان عرفی

- واضح است همین نکته باعث می‌گردد که زبان دین در برخی موارد یک زبان تمثیلی باشد. دین، مطالب خویش را برای هدایت مردم بیان می‌کند و قصد دارد آن مطالب را برای مردم تبیین نماید و از سوی دیگر او طالب بیشترین مخاطب و عمومی بودن بیانات خویش است. از این رو مجبور است در بیان امور پیچیده و دقیق از زبان تمثیلی و استعاره‌ای استفاده کند. زیرا زبان تمثیل و استعاره راحت‌تر مفاهیم را انتقال می‌دهد.

زبان شارع، زبان عرفی

- مثلاً فهم حقیقت قدرت خداوند در توان هر کسی نیست و شاید تفهیم یا تفهم آن با بیانی فنی و دقیق، حتی برای کسی که کلام و فلسفه می‌خواند یا تدریس می‌کند، چندان کار آسانی نباشد؛ اما بیان آن با یک عبارت تمثیلی مثل «ید الله فوق ایدیهم»، فهم میزان قدرت خداوند را برای همه ممکن می‌سازد.

زبان شارع، زبان عرفی

- چنانچه در بین مردم نیز رایج است که وقتی سخن از قدرت کسی به میان می آید، از تعابیری مثل «زورش می چربد» استفاده می کنند. قرآن با این بیان ساده‌ی تمثیلی به مقهور بودن قدرت همه در مقابل قدرت خداوند اشاره می کند و سیطره‌ی قدرت خداوند را بر همه چیز به نحو زیبایی بیان می نماید؛ یعنی دقیقاً به همان چیزی که عرف می فهمد و با آن مانوس است، اشاره می کند.

زبان شارع، زبان عرفی

- با این وصف اگرچه ممکن است عرف از استعاره و تمثیل کمتر استفاده کند و مطالب خویش را صریح بیان نماید؛ اما همان حکمت «عمومیت بخشیدن به سخن» اقتضا می‌کند دین مفاهیم مشکل خویش را با یک عبارت تمثیلی یا استعاره‌ای بیان نماید. گاه صریح بیان کردن این مفاهیم، به مشکل‌تر شدن آنها بیشتر کمک می‌کرده و قهراً مخاطب به فهم پایین‌تری دست می‌یافته است. بنابراین اگر شارع برای سهولت فهم، شیوه‌ی تمثیلی را برمی‌گزیند و از زبان صریح عرفی عدول می‌کند، خارج از رویه‌ی عمومی عقلایی عمل نکرده است.

زبان شارع، زبان عرفی

- در بین عقلا همین شیوه مرسوم است و در واقع این گونه تمثیل‌ها، تمثیل‌های عقلایی است. تنها فرق این عبارات با دیگر عباراتی که مطالب در آنها صریحاً بیان می‌شود، این است که در مثل این موارد نمی‌توانیم به معنای ظاهری تمسک کنیم. پس از عبارت «ید الله فوق ایدیهم» نتیجه نمی‌گیریم که خداوند دست دارد و دست او فوق تمامی دست‌ها است.

زبان شارع، زبان عرفی

- یعنی اگرچه ظاهر آیه و ظاهر الفاظ آن به بالا بودن دستی بر دست‌های دیگران اشاره دارد، اما می‌دانیم که خداوند صاحب جسم نیست؛ زیرا جسم داشتن با صمدیت و غنای مطلق خداوند ناسازگار است. وقتی خداوند صاحب جسم نباشد، صاحب دست مادی هم نخواهد بود.

زبان شارع، زبان عرفی

- از اینجا معلوم می‌گردد که آیه با یک بیان تمثیلی به قدرت خداوند اشاره دارد. البته نباید از نظر دور داشت که چه بسا مخاطبان اولیه‌ی این بیان چندان صعوبتی در فهم معنای مورد نظر خداوند نداشتند؛ اما دقت‌های در واقع غیر دقیق و غیر فنی، بعدها منجر به پیدایش برخی اندیشه‌های باطل گشت و برخی فرق اسلامی با تمسک به ظاهر آیات قایل به تجسیم شدند و خدا را دارای جسم دانستند. بدیهی است که یک نظر واقعاً دقیق چنین اندیشه‌های باطلی را رد می‌کند و حقیقت مطلب را آشکار می‌سازد.

زبان شارع، زبان عرفی

- در انتها باید به چند نکته توجه نماییم: